شرح رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)

حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمدجواد حاج علی اکبری

موضوع:

حــق غریزه جنسی (۳)

تاریخ ۰۵/ ۱۱/ ۱۳۹۳

فهرست

- راه در امان ماندن از غریزه جنسی
- حکمت و فلسفه غریزه جنسی
- عواقب رهاسازی غریزه جنسی
- غریزه جنسی در قرآن کریم
- ایمان و تقوا، سدی محکم در برابر غریزه جنسی
- یک راهکار
- نکته پایانی

بسم الله الرحمن الرحیم

راه در امان ماندن از غریزه جنسی

در بررسی رساله‌ی حقوق امام سجّاد (علیه السلام)، به حقّ غریزه رسیدیم. سه نکته‌ی ارزشمند و مهم بیان شد که در حفظ این غریزه از حرام به آنها نیاز داریم: اوّل فروپوشیدن چشم؛ دوم، فراوانی یاد مرگ و سوم، نفْس خود را در برابر پروردگار تهدید کردن و از خدا کمک خواستن.

تنها راه صیانت از این غریزه، ازدواج یا عفّت پیشه کردن است. یک نکته‌ی بسیار مهّم این است که این‌طور نیست که اگر کسی متأهّل شد، دیگر به عفّت نیازی ندارد. اتّفاقاً او به عفّت بسیار محتاج است. لذّت بردن از غریزه، به قول حضرت آیت‌الله جوادی آملی، پاداش قبول مسئولیّت ازدواج است.

در مورد بحث غریزه، یکی از دوستان می‌گفت: من از ناحیه‌ی غریزه بسیار تحت فشار بودم؛ حتّی با اینکه ازدواج هم کرده بودم، در معرض گناه قرار داشتم. به زیارت شهدا رفتم، در کنار قبر مطهّر یک شهید عزیز، از خدای متعال کمک خواستم. به ذهنم این‌طور تجلّی کرد که این شهید عزیز و این شهدا جان و هستی خودشان را داده‌اند، از همه‌ی این عالم چشم پوشیدند، من کمتر از این هستم که از درخواست‌های غیرمنطقی غریزی خودم اجتناب کنم؟ همانجا سجده‌ی شکری کردم و بعد احساس آرامش عجیبی برای من فراهم شد. البتّه اینجا باید توجّه کرد که شفاعت

آن شهید عزیز، تأثیرگذار بوده است؛ چون به نصّ قرآن کریم شهدا زنده هستند، حضور دارند، دعایشان، نظرشان و مددشان مؤثّر است. از کسانی که با آنها ارتباط داشته باشند، دستگیری می‌کنند و انسان از نفس مسیحایی آنها بهره‌مند می‌شود.

حکمت و فلسفه غریزه جنسی

حکمت غریزه بقای نسل، تأسیس خانواده، پایداری خانواده، آسان کردن تحمّل مسئولیّت‌های ناشی از تشکیل خانواده است. البتّه یکی از امتحان‌ها و ابتلائاتی است که خداوند برای فرزندان آدم قرار داده است و آنها از این مسیر در معرض آزمایش قرار می‌گیرند. بر اساس مبنا و حکمتی که فلسفه‌ی به وجود آمدن این نیروی شگرف، مقتدر و فوق‌العاده پیچیده در وجود انسان است، یکی از آیات بزرگ الهی در وجود ما است و با تشریفات خاص و بلوغ، با یک تأخیر در انسان‌ها پیدا می‌شود، و آن‌قدر مقدّس است که وقتی می‌آید، همراهش تکلیف هم می‌آید. گویا قبل از این شخص در معرض خطاب الهی نبوده است و از رهگذر به وجود آمدن این غریزه و نزول اجلالش، مکلّف به تکلیف الهی می‌شود.

غریزه جنسی کاملاً اسرارآمیز و فوق‌العاده پیچیده و اعجاب‌انگیز است و هنوز دانش بشری در این زمینه سؤالات بی‌جواب فراوانی دارد که چگونه و با چه ترتیبی پیدا می‌شود؟ زمانی که بلوغ در شخصیّت نوجوان وارد می‌شود و شخص چنین احساسی را پیدا می‌کند، به خطاب‌های الهی مخاطب می‌شود. از این جهت

هم می‌شود گفت که غریزه‌ی جنسی در انسان‌ها قدم مبارکی دارد که حکایت از رشد و آمادگی برای فرمانبری از پروردگار متعال و عزیز است. همه‌ی خطاب‌های «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا»، همه‌ی تکالیف شرعی، واجبات، محرّمات، یک‌جا بر شخص فرود می‌آید و به آن متوجّه می‌شود.

رهبر عزیز و عالی‌قدرمان به نوجوانی تعبیر زیبایی داشتند. نوجوانی بودند که گفته شد ایشان به بلوغ رسیده‌اند و از حضرت آقا خواستند که برایشان دعا کنند. ایشان چند دقیقه‌ای با این نوجوان صحبت کردند، با اینکه هوا گرم و شرایط نامناسب بود، ایستادند با او صحبت کردند و آن جمله‌ی کلیدی این بود: می‌دانی به چه شرایطی رسیدی؟ تا قبل از این گویا خدای متعال کاری به کار تو نداشت و تو را به حساب نیاورده بود، امّا از این لحظه تو متوجّه خطاب الهی شده‌ای. خدای متعال با تو حرف می‌زند، به تو امر و نهی می‌کند، طرف خداوند قرار گرفته‌ای.

ما به وسیله‌ی همه‌ی توانمندی‌هایمان آزمایش می‌شویم. غریزه هم یکی از آنها است که فوق‌العاده قوی و مقتدر است. مثل همه‌ی توانمندی‌های دیگر انسان، قاعده‌اش این است که باید تحت برنامه‌ریزی خِرد قرار گیرد و با آن مواجهه‌ی عقلانی داشته باشیم. اگر انسان تحت تدبیر خرد قرار گیرد ـ خردی که به وسیله‌ی شرع، قرآن و پیامبر و اولیاء خدا پشتیبانی و مدیریّت شود ـ چیزی که از آن به غریزه‌ی جنسی و شهوت تعبیر می‌شود، اسم آن عفّت می‌شود.

عواقب رهاسازی غریزه جنسی

بر اساس آن حکمت، یک هشدار بسیار جدّی به ما داده شده که اگر خارج از فلسفه‌ی وجودی و مسیر تعریف‌شده‌ی حفاظت الهی که ازدواج است ـ چه دائم و چه موقّت ـ غریزه فعّال‌سازی و رها شود، عوارض بسیار وحشتناکی دارد. در تعبیری که قران کریم دارد، می‌فرماید: «فَأُوْلَئِکَ هُمُ الْعَادُونَ؛[1] آنان از حد درگذرندگانند». به این ترتیب از مرزهایی که خدای متعال تعریف کرده بود، فرد خارج شده است که این خروج انواعی دارد که اهمیّتی ندارد. اگر کسی از این مسیر خارج شد، فهرستی از مصیبت‌های دنیایی و آخرتی به سرش می‌آید. در روایات مربوط به گناهان غریزه‌ی جنسی، آن عوارض به این صورت فهرست شده است: انواع بیماری‌های جسمی؛ شامل اینکه چهره و سیمای ظاهری او آسیب می‌بیند؛ توان ذهنی او کم می‌شود، چون توسعه‌ی فکر پیدا نمی‌کند. علاوه بر اینها، شیرینی عبادت را از شخص می‌گیرد، محرومیّت‌های معنوی در پی دارد، در مناسبات اجتماعی و روابط اجتماعی خدشه ایجاد می‌کند، روابط خانوادگی را کاملاً تحت تأثیر قرار می‌دهد و آسیب می‌زند و شاید نکته‌ی فوق‌العاده مهمّ این است که به عزّت نفْس آسیب وارد می‌کند، به او از نظر باطنی آسیب می‌زند، همّت را در او کاهش می‌دهد و عزّت را مخدوش می‌کند، همان عزّت نفسی که روانشناس‌ها می‌گویند: پایه‌ی اصلی شخصیّت انسان محسوب می‌شود که بر اساس آن سایر کمالات او بنا می‌شود. خلاصه آنکه اینجا نقطه‌ی شروع

آسیب‌های آخرتی است.

عوارض جسمی و بیماری‌های ناشی از عدم رعایت سلامت غریزه‌ی جنسی، بخشی به رابطه‌ی حفاظت‌نشده مربوط می‌شود که منشأ انواع بیماری‌ها است. امّا آنچه به چهره‌ی شخص مربوط می‌شود، بر اثر آسیبی است که به روح وارد شده است.

روح را تاریک می‌کند، بر سیمای شخص اثر منفی می‌گذارد، سیمای او دیگر سیمای صالحین نیست و به تدریج آشکارتر می‌شود. بخشی هم مربوط می‌شود به آسیب‌های شخص در خلوت با خودش که عوارض جدّی‌تری دارد.

با این حال، آثار و عوارض گناهان جنسی از لحظه‌ی مرگ شروع می‌شود که روایاتش خیلی تکان‌دهنده است. چگونگی برزخ و وضعیتی که شخص در حیات برزخی دارد. اگر توبه و جبران نکرده باشد و از دنیا برود، عذاب‌هایی عجیبی دارد و در قیامت نیز عذاب های خاص خود را دارد که به خدا پناه می‌بریم. گاهی اهالی جهنّم از او فاصله می‌گیرند، شخص این‌قدر پلید و کثیف است که حتّی آنها را فراری می‌دهد و آنها دست به دامن مالک دوزخ می‌شوند، برای اینکه از او فاصله گیرند و نجات پیدا کنند. البتّه انسان‌های الهی چه بسا همینجا هم از تعفّن این اشخاص، اذیت شوند. این اشخاص تأثیر وضعی روی محیط، خانواده، خطوط ارتباط و ... دارند.

غریزه جنسی در قرآن کریم

قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ، إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ

أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ؛[۲] مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست». این مسیر، صحیح و درست است که موافق با حکمت است؛ امّا از اینکه خارج شد، در قرآن آمده است: «فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ؛[۳] پس هر که فراتر از این جُوید، آنان از حد درگذرندگانند». اگر کسی از مرز ازدواج و رابطه‌ی شرعی تعریف‌شده خارج شد، تعدّی و از مرز تقوا عبور کرده که عوارض سنگینی دارد. البتّه در قرآن کریم از این وضعیّت گاهی به ظلم هم تعبیر شده که تعبیر سنگینی است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ؛[۴] قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند». اینها به هیچ‌وجه رستگار نمی‌شوند. راه‌های سعادت و خوشبختی شخص را می‌بندد. در قرآن کریم کنترل و مدیریّت غریزه را که مدیریّت و مراقبت فعّال است، ذیل عنوان ایمان آورده است. قرآن کریم می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ؛[۵] به راستی که مؤمنان رستگار شدند»، هر چه هست از ایمان است، سپس می‌فرماید: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ[۶]، همانان که در نمازشان فروتنند، و آنان که از بیهوده رویگردانند»، تا به این قسمت می‌رسد که می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ[۷] و کسانی که پاکدامنند». خدای متعال از کلمه‌ی حفظ استفاده کرده است. اینها کسانی هستند که غریزه‌ی خودشان را حفاظت می‌کنند و دامنشان را پاک نگه می‌دارند. کلمه‌ی حافظ، کلمه‌ی بسیار کلیدی در ارتباط با

مدیریّت غریزه است؛ البتّه کلمات دیگری نیز ممکن است در قرآن کریم پیدا کنیم؛ از جمله کلمه‌ی «استعفاف» که از ریشه‌ی عفّت و «استعصام» است. در منظومه‌ی معارف قرآنی، کاربرد این کلمات فوق‌العاده دقیق و جالب است. حفاظت، یک‌جا تعبیر به استعفاف، یک‌جا هم تعبیر به استعصام شده است که ذیل ایمان و محصول آن است. اگر انسان ایمان بیاورد، آنگاه می‌شود از او توقّع حفاظت داشت. حفاظت ذیل کلمه‌ی ایمان تعریف می‌شود.

ایمان و تقوا، سدی محکم در برابر غریزه جنسی

هرجا که کلمه‌ی حفظ استفاده می‌شود، یک گوهر ارزشمند وجود دارد و یک آفت که آن را تهدید می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ الَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ»، همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم در حالت فاعلی طرّاحی شده و درون خود شخص است. بحث مراقبت بیرونی، اجتماعی و کنترل محیطی نیست و کاملاً درونی است. خودشان نگهبان و مراقب در برابر آفت‌های این سرمایه‌ی بزرگ و امانت عظیم الهی هستند و آن را مطهّر و پاک نگه می‌دارند. به قول مدیریت امروز، خودشان به این نتیجه می‌رسند که این گوهر باید حفظ و حراست شود، وگرنه از بین می‌رود و آسیب می‌بینند. ما در این رابطه حدیث‌هایی داریم. فرموده‌اند: «نیرومندترین فرد کسی است که مقابل خشمش بایستد». ما مشابه آن را هم داریم، نیرومندترین فرد کسی است که در مقابل شهوتش بایستد و آن را کنترل کند. حفاظت همان ایمان،

تقوا، خویشتن‌بانی و خویشتن‌داری است. اگر این سطح‌بندی نباشد، این غریزهٔ قدرتمند می‌تواند تمام سعادت دنیا و آخرت ما را به طور کلّی نابود کند.

تقوا مانند سد عمل می‌کند و این نیرو را ذخیره می‌کند و به موقع از آن بهره می‌برد. چون سدّ داخلی است، هیچ‌گاه آسیب نمی‌بیند و چنانچه فرد در موقعیت گناه قرار گیرد، این سد شکسته نمی‌شود. گاهی ایمان و تقوا را به خویشتن‌بانی، خویشتن‌داری و خودکنترلی ترجمه می‌کنند. این امر کاملاً بر اساس اراده، فهم و تشخیص خود شخص اتّفاق می‌افتد. در واقع احساس عزّت، کرامت و شخصیّت فرد در پرتو ایمان بزرگ و تقویت می‌شود. بر اثر فتوّت و مروّتی که در او شکل گرفته است، در برابر این امور حیا پیدا می‌کند؛ احساس فوق‌العاده زیبایی که از آن به حیا تعبیر می‌شود و در پرتو آن، انسان حفظ می‌شود و می‌ماند. بنابراین همه‌ی این بحث‌ها به ایمان برمی‌گردد و ایمان هم به معنای این است که باور کنیم خداوند هست، ما را می‌بیند، هیچ خلوتی وجود ندارد و در محضر او هستیم. اگر ایمان به خدای متعال، در وجود انسان شکل بگیرد، نیروی عظیم و قدرت فوق‌العاده عظیمی را در شخص به وجود می‌آورد که آثار مختلفی را به دنبال دارد. آثار اوّلیه‌اش این است که شخص را در برابر هیجان خشم و شهوت حفاظت می‌کند. سپس بخش اصلی این نیرو به میدان می‌آید، مکارم، زیبایی‌های اخلاقی، کمالات، تا آنجایی که شخص را در قلّه‌ی زیبایی‌ها قرار می‌دهد.

یک راهکار

در سوره‌ی مبارکه‌ی نور، واژه‌ی قرآنی «استعفاف» استفاده شده است درباره‌ی کسی که امکان ازدواج برایش فراهم نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحاً حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللهُ مِن فَضْلِهِ؛[8] و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند». اگر کسی این امکان برایش فراهم نشد، یک راه بیشتر ندارد و آن راه این است که عفّت پیشه کند. «وَ لْيَسْتَعْفِفِ»، با تأکید است، چون در قالب اِسْتِفْعَال استفاده شده که قالب تأکید است. لذا عفّت‌ورزی مؤکّد مورد نظر است. راجع به کسانی که ازدواج کردند، عفاف پیشنهاد می‌شود، راجع به کسانی که این امکان برایشان فراهم نشده، «اِسْتِعْفَاف». امر به لام هم هست که تأکید فوق‌العاده‌ای محسوب می‌شود.

عدّه‌ای می‌گویند محیط و شرایط گاهی طوری است که امکان کنترل وجود ندارد. پاسخ یک کلمه بیشتر نیست: اگر ممکن نبود خدا امر نمی‌کرد. خداوند تبارک و تعالی هیچ‌گاه فرمانش در شرایطی که امکان عمل نباشد، وارد نمی‌شود. اگر عفّت ورزیدن امکان نداشت، فرمانش داده نمی‌شد. معنای این سخن این است که در وجود انسان یک توان عالی و یک قدرت روحی وجود دارد که با تکیه به فضل الهی و کمک خواستن از خدای متعال، می‌تواند دامن خودش را پاکیزه نگه دارد. البتّه دشوار است؛ چون جهاد و ابتلا است. سخت

است، ولی چه سختی خوب و مبارکی که از رهگذر آن، روح انسان جلا پیدا می‌کند، شخصیّتش بزرگ و نزد خدای متعال عزیز می‌شود. امیرالمؤمنین (عَلَیه السَّلَام) فرمودند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ؛[9] برترین عبادت، پاکدامنی است». آن حضرت در بیانی دیگر فرمودند: «مَا الْمُجاهِدُ الشَّهِيْدُ فی سَبِيْلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْراً مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ؛[10] آن کس که در راه خدا جهاد کند و شربت شهادت بنوشد، بلندمقام‌تر از آن کس نیست که توانایی بر گناه داشته باشد و دامن خود را آلوده نکند». آنگاه حضرت علی (عَلَیه السَّلَام) فرمودند: «مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِی سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْراً مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكاً مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛[11] پاداش مجاهدی که در راه خدا به شهادت رسیده برتر از پاکدامنی نیست که توان گناه دارد و گناه نکند، که پاکدامن در آستانه فرشته شدن است». شخصیّت پاکدامن چیزی نمانده است که به رتبه‌ی فرشتگان نایل شود و فرشته‌ای از فرشتگان پروردگار متعال محسوب شود. مجاهدت در جبهه‌ی جهاد اکبر، در برابر خواسته‌های نفسانی، چیزی کمتر از این ندارد که کسی به میدان جنگ، یعنی جهاد اصغر رود؛ بلکه سنگین‌تر است. لذا حضرت فرمودند: «مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِی سَبِيلِ اللهِ بِأَعْظَمَ أَجْراً»، یعنی پاداش کسی که در معرض شهوت‌ها، غلیان و هیجان شهوت قرار می‌گیرد، ولی خود را کنترل و حفظ می‌کند. پاداش چنین کسی، این شخصیّت عفیف و پاک، در پیشگاه خدای متعال، از آن مجاهد شهید کمتر نیست. شبیه این، روایات زیبای دیگری هم هست

که فرمودند: زکات زیبایی عفّت است[12] که نفْس را صیانت و از پستی‌ها حفظ می‌کند. در یک بیان دیگر فرمودند: پاک نگه داشتن خود، برترین جلوه‌ی جوانمردی و فتوّت محسوب می‌شود. آثار عفّت ورزیدن در برابر غریزه‌ی جنسی غیر قابل شمارش است و گشایش‌های معنوی و حظّ عرفانی فراوانی دارد؛ حالت خشوع را در شخص به وجود می‌آورد؛ حالت بندگی را در پیشگاه خدای متعال در شخص تقویت می‌کند؛ میدان تفکّر را پیش روی او باز می‌کند و عزّت نفْس و زمینه‌ی اینکه شخص به مقام شامخ رضایت از خدای متعال نایل بیاید، فراهم می‌سازد و... . منتها برای اینکه انسان به این توانمندی دست پیدا کند، باید عقل را به کار گیرد؛ چنان‌که امیرالمؤمنین (عَلَیهِ السَّلَام) فرمودند: «مَنْ عَقَلَ عَفَّ؛[13] کسی که عاقل باشد، عفّت پیشه می‌کند». کسی که خردش پرورش پیدا کند می‌تواند در برابر این امواج مهاجم غریزه که گاهی پیش می‌آید، مقاومت کند و برای اینکه عقل انسان و خردش تقویت شود، باید آن را در پرتو نور ایمان تقویت کند.

نکته پایانی

سیستم خودکنترلی، برای پدر و مادرها می‌تواند نکته‌ی عبرت‌انگیز و قابل تأمّلی باشد که مبادا بچه‌هایمان را فقط از روی اجبار به این کنترل رسانده باشیم. نکند آنها به این نقطه نرسیده باشند که باید با مشکلاتی که با آن روبه‌رو هستند مقابله کنند و به صورت درونی به عفّت نرسیده باشند. این امر می‌تواند خیلی خطرناک باشد. امیدوارم در این زمینه اگر

لازم است مطالعه کنیم، مشاوره و کمک بگیریم و بتوانیم فرزندانی تربیت کنیم که از نیروی عظیم عفّت و ایمان بهره‌مند باشند.

■ ■ ■

■ منابع و مآخذ:

۱. مؤمنون: ۷.
۲. مؤمنون: ٦.
۳. همان: ۷.
٤. یوسف: ۲۳.
٥. مؤمنون: ۱.
٦. همان: ۲ ـ ۳.
۷. همان: ٥.
۸. نور: ۳.
۹. کلینی، کافی، ج۲، ص٤٦٨.
۱۰. سید رضی، نهج البلاغه، کلمات قصار، ش٤٧٤.
۱۱. همان، حکمت٤٦٦.
۱۲. تمیمی آمدی، غررالحکم، حدیث ٥٤٠٩.
۱۳. همان، حدیث٤٢٨.

افـــق ها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

شنبه ها، ساعت ۱۹

بازپخش دوشنبه ها، ساعت ۱۲

از شبکه قرآن و معارف سیما/برنامه یاد خدا